



Comparative Analysis of the Use of Grammatical Metaphor in the Novel *Wuthering Heights* and its Two Translations by Reza Rezaei and Noushin Ebrahimi from the Perspective of Halliday's Systematic-Functional Grammar

Sedighesadat Meghdari¹

Linguistics Assistant Professor, Payam-e Noor University, Tehran, Iran (Corresponding author)

[HTTPS://ORCID.ORG/0000-0002-9262-830X](https://orcid.org/0000-0002-9262-830X)

Shirin Saghi²

MA in General Linguistics, Payam-e Noor University, Ghaen, Iran

[HTTPS://ORCID.ORG/0009-0001-8520-5990](https://orcid.org/0009-0001-8520-5990)

Received: February 3, 2025 ∴ Revised: February 18, 2025

Accepted: February 22, 2025 ✦ Published Online???:

How to cite this article:

Meghdari, S., & Saghi, S. (2025). *Comparative Analysis of the Use of Grammatical Metaphor in the Novel Wuthering Heights and its Two Translations by Reza Rezaei and Noushin Ebrahimi from the Perspective of Halliday's Systematic-Functional Grammar*. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 17 (1), 145-172. (in Persian with English abstract)
<https://doi.org/10.22067/jlkd.2025.91951.1300>

Abstract

Today, the importance and necessity of translation in improving the intellectual, cultural, scientific, and social lives of humans is evident. Therefore, this research aimed to quantitatively and qualitatively analyze the translation of grammatical metaphors in two translations of the novel *Wuthering Heights* as one of the most notestanding and widely studied novels in a large number of languages written by Emily Bronte and two translations of it by Reza Rezaei and Noushin Ebrahimi. Halliday and Matthiesen's (2004) Functional-Systematic Grammar was used as the theoretical framework. Grammatical metaphor was studied in the original novel and its two translations. The results showed that in the translations of Ebrahimi and Rezaei, less grammatical metaphor is used than the original text

1. Email: s_meghdari@pnu.ac.ir

2. Email: shirin.saghi1995@gmail.com

of the novel. The comparison of translations also showed that more grammatical metaphors are used in Ebrahimi's translation than in Reza'i's translation.

Keywords: *Wuthering Heights*, Emily Bronte, Grammatical Metaphor, Reza Rezaei, Noushin Ebrahimi.





DOI: <https://doi.org/10.22067/jilkd.2025.91951.1300>



۶. تحلیل تطبیقی کاربرد استعاره دستوری در رمان بلندی‌های بادگیر و دو ترجمه از آن توسط رضا

رضایی و نوشین ابراهیمی از منظر دستور نظام‌مند نقشی هلیدی

صدیقه سادات مقداری

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)^۱

[HTTPS://ORCID.ORG/0000-0002-9262-830X](https://orcid.org/0000-0002-9262-830X)

شیرین ساقی

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، مرکز قائن^۲

[HTTPS://ORCID.ORG/0009-0001-8520-5990](https://orcid.org/0009-0001-8520-5990)

صص ۱۴۵-۱۷۲

ارجاع به این مقاله:

سادات مقداری، ص.، و ساقی، ش. (۱۴۰۴). «۶. تحلیل تطبیقی کاربرد استعاره دستوری در رمان بلندی‌های بادگیر و دو ترجمه از آن توسط رضا رضایی و نوشین ابراهیمی از منظر دستور نظام‌مند نقشی هلیدی»، در نشریه علمی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، بهار، صص ۱۴۵-۱۷۲.

<https://doi.org/10.22067/jilkd.2025.91951.1300>

چکیده

در این تحقیق درتحلیلی تطبیقی، نحوه کاربرد و میزان ترجمه استعاره دستوری را در رمان «بلندی‌های بادگیر»^۱ نوشته امیلی برونته^۲ و دو ترجمه از آن توسط رضا رضایی (۱۳۹۱) و نوشین ابراهیمی (۱۳۹۰) به‌لحاظ کمی و کیفی بررسی شد. برای انتخاب تصادفی داده‌ها، سه فصل از اول، وسط و آخر رمان و ترجمه‌های آن، یعنی فصل اول، فصل پانزدهم و فصل سی و چهارم بررسی شده‌اند. چارچوب نظری پژوهش دستور نظام‌مند نقشی هلیدی و متیسن^۳ (۲۰۰۴) انتخاب شد و سپس انواع استعاره دستوری با توجه به سه فرانش اندیشگانی، بینافردی و متنی به‌لحاظ کمی و کیفی بررسی شدند. از آنجا که ساخت‌های نشان‌دار حاوی استعارات دستوری

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ :: بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ :: پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ :: انتشار برخط: ۴۴۴

پست الکترونیکی:

1. Email: s_meghdari@pnu.ac.ir

2. Email: shirin.saghi1995@gmail.com

2. Wuthering Heights

3. Emily Brontë

4. Halliday & Matthiessen

می‌باشند و این ساخت‌ها در انتقال مفهوم معنامند بوده و گفتمان‌مدار هم محسوب می‌شوند، لذا تحلیل نحوه و میزان کاربرد آنها مخصوصاً در متون ترجمه شده حائز اهمیت است چراکه درک خواننده در چارچوب توانش زبانی و دانش دایره‌المعارفی اوست، لذا همان‌طور که در ترجمه استعارات واژگانی لازم است مترجم با در نظر گرفتن تفاوت‌های زبانی و فرهنگی خواننده متن مقصد، معادل‌یابی صحیح و مناسبی برای استعارات داشته باشد، در ترجمه استعاره‌های دستوری نیز لازم است مترجم به استعاره‌های دستوری متن مبدأ توجه آگاهانه بیشتری داشته باشد تا به جای حذف استعاره دستوری و ترجمه آن به صورت غیر استعاری، معادل‌یابی معنایی و کاربردی درست‌تر و مناسب‌تری ارائه دهد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در ترجمه‌های ابراهیمی و رضایی، استعاره‌ی دستوری کمتری نسبت به متن اصلی رمان، به کار رفته است. مقایسه‌ی ترجمه‌ها نیز نشان می‌دهد که در ترجمه ابراهیمی، استعاره‌های دستوری بیشتری نسبت به ترجمه رضایی به کار رفته است.

واژگان کلیدی: بلندی‌های بادگیر، امیلی برونته، استعاره دستوری، رضا رضایی، نوشین ابراهیمی.

۱. مقدمه

لطفی پور ساعدی (۱۳۷۱: ۷۹) وظیفه مترجم را فراهم آوردن شرایط و مهیا کردن زمینه‌ای می‌داند که در آن نویسنده متن اصلی و خواننده زبان مقصد بتوانند با یکدیگر به تعامل و تاثیر متقابل بپردازند و چنین شرایط و زمینه‌ای موقعی مهیا است که متن زبان مقصد از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبدأ «معادل» و «یکسان» باشد. در ترجمه انواع متون، ترجمه متون ادبی بدلیل ماهیت پیچیده این متون، اهمیت ویژه‌ای دارد. نایدا ترجمه ادبی را فرایندی اجتماعی، فرهنگی و حتی ایدئولوژیکی می‌داند و از نظر وی، مترجم نه تنها با عناصر صوری دو زبان بلکه با مقولات فرهنگی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معناشناسی سر و کار دارد. هیچ ترجمه‌ای هر چند فاضلانه، از ارزش واقعی برخوردار نیست، مگر آن‌که دست‌کم بخشی از لذت متن اصلی را به خواننده بدهد (نایدا، ۱۳۹۵: ۲۶). از این نظر، ترجمه استعاره نیز از مباحث قابل طرح مخصوصاً در متون ادبی است.

از زمان انتشار مقاله لاکوف و جانسون^۱ (۱۹۸۰) با عنوان «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»، تحقیقات بین‌رشته‌ای بسیار روزافزونی مرتبط با استعاره توسط زبان‌شناسان، روان‌شناسان، دانشمندان علوم شناختی و دانشمندان علوم اعصاب انجام شده است. آستین^۲ (۲۰۲۳) اذعان می‌دارد که گیبز و کلستون^۳ (۲۰۱۲) به لیست نه‌تایی

1. Lakoff and Johnson

2. Steen

3. Gibbs and Colston

رویکردهای مطرح مرتبط با استعاره و زبان مجازی در گبیز (۲۰۰۸) چندین رویکرد دیگر نیز اضافه می‌کنند. اما سیمونه و دومجن^۱ (۲۰۱۷) این رویکردها که بسیاری با هم هم‌پوشانی دارند را در چهار رویکرد خلاصه می‌کنند. در نهایت نیز هولیوک و استامنکوویچ^۲ (۲۰۱۸)، در بررسی درک استعاری در هنر، این رویکردها را در سه گروه طبقه بندی می‌کنند. آنها چنین استدلال می‌کنند که سه گرایش اصلی در تحقیقات تجربی مرتبط با پردازش استعاره وجود دارد که به سه فرضیه متمایز اشاره می‌کنند: الف) استعاره با قیاس پردازش می‌شود. ب) استعاره با طبقه بندی پردازش می‌شود. ج) استعاره با نگاشت مفهومی پردازش می‌شود. تاو^۳ (۲۰۰۶) نیز اذعان می‌دارد که «استعاره» به طور کلی ذاتاً یک پدیده «ثانویه» در زبان است یعنی یک عبارت زبانی را فقط می‌توان به دلیل وجود یک عبارت غیراستعاری قابل مقایسه، «استعاره» نامید. یک استعاره به دلیل ماهیت مرتبه دوم ذاتی آن، دقیقاً به دلیل تضاد آن با عبارات غیراستعاری می‌تواند به‌عنوان استعاره شناخته شود. استعارات دستوری نیز تحقق واژی- نحوی نشان‌داری از یک عبارات معنادار خاص هستند (دونینگ^۴، ۱۹۸۹). علی پور و همکاران (۱۳۹۵) نیز برای کشف و شناسایی استعاره در گفتمان، روش ام‌آی‌پی را معرفی می‌کنند. این روش توسط گروهی از کارشناسان استعاره به‌سرپرستی پرگلیج‌جاز^۵ (۲۰۰۷) معرفی شد (برای اطلاعات بیشتر در مورد این روش ر.ک. علی پور و همکاران، ۱۳۹۵). بررسی تحقیقات مرتبط با استعاره مخصوصاً در ارتباط با ترجمه نشان می‌دهد که استعاره‌های مفهومی بیش از استعاره‌های دستوری مد نظر محققان بوده است (برای دیدن بخشی از این‌گونه تحقیقات ر.ک. تحقیقات بیکیان و همکاران، ۱۴۰۲؛ تقی‌پور حاجبی و همکاران، ۱۴۰۱ و عسکر مطلق و جمشیدیان، ۱۴۰۲)، لذا در این پژوهش جهت پر کردن بخشی از این خلأ تحقیقاتی مخصوصاً در ترجمه ادبی موضوع ترجمه استعاره‌های دستوری در ترجمه یکی از بلندآوازه‌ترین آثار ادبی یعنی رمان بلندی‌های بادگیر انتخاب شد. سال‌ها از انتشار این رمان بلندآوازه می‌گذرد و شهرت و تأثیر فراوان آن باعث شده است تا ترجمه‌های مختلفی از آن در ایران نیز انجام شود، از جمله اولین ترجمه از این رمان با عنوان «عشق هرگز نمی‌میرد» از «علی اصغر بهرام بیگی» (۱۳۳۵)، و ترجمه‌های دیگری مانند ترجمه‌ی «نگارغلام‌پور» (۱۳۸۶)، «فاطمه امینی» (۱۳۸۸)، «پرویز پژواک» (۱۳۹۸)، «رضا رضایی» (۱۳۹۰)، «نوشین ابراهیمی» (۱۳۹۱)، «مهدی سجودی مقدم» (۱۳۹۵)، «فروزنده دولت‌یاری» (۱۳۹۹)، «نعیمه ظاهری» (۱۳۹۹) (ترجمه‌ای

-
1. Semino and Demjén
 2. Holyoak and Stamenković
 3. Tav
 4. Downing
 5. Praggeljaz

خلاصه و تصویری برای رده سنی کودک و نوجوان)، «سعیدا زندیان» (۱۴۰۱) و بسیاری موارد دیگر.

رمان «بلندی‌های بادگیر» که نخستین بار در سال ۱۸۴۷ منتشر شد، در حقیقت داستانی است که خدمت‌کار خانه برای مسافری ناشناس تعریف می‌کند. داستان روایت زندگی پسری کولی است که پدر و مادرش او را رها کرده‌اند و آقای ارنشا سرپرستی او را پذیرفته و بزرگش کرده است. اما پس از مرگ آقای ارنشا، پسر او هیتدلی که شخصیت منفی رمان است و هرگز نتوانسته با این پسر کنار بیاید او را رنج می‌دهد. از سوی دیگر کاترین دختر آقای ارنشا از او حمایت می‌کند. اما وقتی پسر جوان از این حمایت برداشت دیگری می‌کند و دل به او می‌بندد، با او به شیوه‌ای توهین آمیز رفتار می‌کند و یادآور می‌شود که او چیزی جز یک ولگرد نبوده است. از این جا ماجرا شکلی دیگر به خود می‌گیرد و همه‌ی قصه در چرخه‌ی انتقام می‌افتد و همه درگیر این انتقام می‌شوند (خبرگزاری کتاب ایران، ۱۳۸۵ به نقل از ابراهیمی، ۱۳۹۰). رضایی (۱۳۹۰) اذعان می‌دارد که «بلندی‌های بادگیر» یا به عنوانی دیگر «عشق هرگز نمی‌میرد» بارها به عنوان عاشقانه‌ترین رمان انگلیسی برگزیده شده است. این کتاب که شرح دلدادگی کاترین و هتکلیف را بیان می‌کند، تصویری واضح، دلنشین و در عین حال تلخی از این دل‌باختگی و سنگ‌هایی است که بر سر راه آن دو افتاده است. رمان روایتی است عاشقانه که با لحنی شاعرانه تعریف شده است و به‌وضوح اوج تاثیر رفتارهای خوش و رفتارهای بد را در طی زمان به تصویر می‌کشد.

رمان بلندی‌های بادگیر و ترجمه‌های آن، به‌عنوان یکی از رمان‌های محبوب و معروف از دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوتی تحلیل شده‌اند؛ امادر تحلیل تطبیقی استعاری آن تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. در ادامه به برخی تحقیقات صورت گرفته مرتبط با این رمان اشاره می‌شود.

بهادیوند چگینی و همکاران (۱۴۰۰) فرایند تولید معنا را در این رمان با رویکرد معناشناختی گفتمانی بررسی کرده‌اند و نشان می‌دهند گفتمان غالب آن، شناختی است؛ زیرا در داستان، کنش پررنگ‌تر از شوش مشاهده می‌شود. سلیمی (۱۳۹۰) با توجه به رساله زیباشناسی ادmond بورک، مفاهیم عالی و زیبا را در این رمان بررسی می‌کند. پوریا اصل (۱۳۹۰) نیز این رمان را از منظر روانکاوی فروید تحلیل نموده است و نشان می‌دهد که امیلی برونته انسانی روان‌رنجور بوده است که وسواس‌های فکری ضمیر ناخودآگاهش، یعنی علاقه روانکاوانه به مادر و عداوت با پدر را در این رمان فراقنی کرده است. ابراهیمی (۱۳۹۰) در تحلیلی تطبیقی و از منظر نظریه‌ی کت‌فورد یعنی تعادل در ترجمه، سه ترجمه از بلندی‌های بادگیر یعنی ترجمه‌های بهرام‌بیگی، غلام‌پور و امینی را بررسی نموده است. رابعی و شفیعی ثابت (۲۰۱۱) تاثیر ایدئولوژی جنسیتی مترجم را بر دو ترجمه فارسی از این رمان بررسی می‌کنند. نتایج این

پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تشابه بسیار زیاد این دو متن در رعایت برخی اصول ترجمه، در ترجمه قسمت‌هایی از رمان که جهت‌گیری جنسیتی وجود دارد، در هر دو ترجمه ایدئولوژی جنسیتی مترجم نقش کلیدی دارد. شاملو (۱۳۹۲) نیز ایدئولوژی‌های گوناگون در دو ترجمه‌ی فارسی این رمان توسط امینی و رضایی را از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی فرکلاف تحلیل و مقایسه می‌کند. جعفر بگلو (۱۳۹۴) تکنیک‌های مرتبط با به‌کارگیری عنصر تعلیق در ترجمه را با بررسی ترجمه‌های فارسی این رمان بررسی می‌کند. امینی (۱۳۸۹) با اذعان به اهمیت واژگان فرهنگی در ترجمه، رویه‌ی کاربرد واژگان فرهنگی در رمان «بلندی‌های بادگیر» و ترجمه‌های فارسی آن توسط بهرام‌بیگی و غلام‌پور را بررسی نموده است. نتایج حاکی از آن بود که اقتباس، بیشترین کاربرد و جایجایی، کمترین کاربرد را داشته است.

از سایر مقالات مرتبط با پژوهش حاضر مقالاتی است که به تحلیل استعاره‌ی دستوری پرداخته‌اند از جمله مقاله رضویان و طاهری (۱۳۹۸) که نزدیک‌ترین پژوهش مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌باشد و کاربرد استعاره‌ی دستوری در دو ترجمه از رمان طنز «سالارمگس‌ها» اثر ویلیام گلدینگ را تحلیل نموده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که میزان استفاده از انواع استعاره‌ی دستوری در متن اصلی رمان «سالارمگس‌ها» نسبت به دو ترجمه آن کمتر بوده است. همچنین میزان به‌کارگیری انواع استعاره دستوری در ترجمه منصوری نسبت به ترجمه رفیعی کمتر بوده است و این بدان معناست که استعاره‌های دستوری در متن اصلی رمان در ترجمه دستخوش تغییر می‌شوند.

افتخاری (۱۳۸۷) به بررسی وجود استعاره در زبان فارسی از منظر هلیدی پرداخته است. یافته‌های پژوهش او نشان داد که آن‌چه به‌عنوان استعاره دستوری در رویکرد هلیدی مطرح شده، در زبان فارسی نیز همچون انگلیسی قابل بحث است. چاوشی (۱۳۹۰) نیز به بررسی فرایند «اسم‌سازی» می‌پردازد و نشان می‌دهد که این فرایند پایه و اساس تمامی اصطلاحات فنی را تشکیل داده و در خلق زبان فنی نقش دارد. رضویان و مبارکی (۱۳۹۳) با بررسی میزان و شیوه‌ی کاربرد انواع استعاره‌ی دستوری در متون ادبی و علمی تلاش کرده‌اند تا با ارائه شواهد کافی از دو متن (متن ادبی «تنگسیر» اثر چوبک و متن علمی «درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان» اثر مدرسی)، استعاره‌ی دستوری را به‌عنوان یک شاخص برای تمایز متون علمی و متون ادبی معرفی کنند نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که میزان استفاده از انواع استعاره‌ی دستوری در متون علمی بیشتر و متنوع‌تر از متون ادبی است. البته لازم به‌ذکر است که هرچند متون علمی بدلیل خلاصه‌سازی و یا مهم‌تر بودن بازنمایی کنش نسبت به کنشگر از ساخت استعاره‌ی اسمی‌سازی (نقش اندیشگانی) استفاده‌ی بیشتری می‌کنند اما این امر در مورد سایر انواع استعارات دستوری صادق نبوده و نیاز به تحقیقات

بیشتری برای تعمیم این امر می‌باشد (ر.ک. خیائزو و جینگ^۱، ۲۰۲۱). رضاپور و عربانی دانا (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «استعاره دستوری به‌مثابه‌ی تنوع نحوی از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند» صورت‌های متجانس و استعاری در گفتار ۴۷ نفر از گویشوران زبان فارسی را بر اساس متغیرهای جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متغیر جنسیت بر کاربرد صورت‌های متجانس و استعاری و همچنین کاربرد انواع استعاره دستوری گذرایی، وجهیت و اسم‌سازی تأثیر ندارد. اما متغیرهای تحصیلات و طبقه اجتماعی تأثیر زیادی در کاربرد صورت‌های استعاری و متجانس و همچنین در کاربرد انواع استعاره دستوری (به‌جز عدم تأثیر جنسیت بر استعاره دستوری گذرایی) در گفتار گویشوران زبان فارسی دارند. یعقوبی و آقاگل‌زاده (۱۴۰۱) به توصیف و تحلیل استعاره‌های دستوری بینافردی وجه در کتاب‌های معیار آموزش زبان تافل در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند می‌پردازند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بسامد این نوع استعاره‌ها در متون مکالمه بیش از متون سخنرانی است و همچنین به‌ترتیب بسامد وجه خبری و پرسشی بیش از وجه امری بوده است که این امر می‌تواند ناشی از حفظ وجهه و رعایت ادب باشد.

از آنجایی که بین ساختار دستوری و کارکرد معنایی آن دو نوع الگو وجود دارد، یعنی شکل متجانس و شکل استعاری، این موضوع مبنایی نظری برای بحث در مورد الگوهای تحقق و تأثیرات ارتباطی ترجمه فراهم می‌کند. در ترجمه استعارات دستوری لازم است که مترجم با شناخت کافی از این استعارات به جای حذف مفهوم استعاری آنها، معادل‌های ساختی درست و مناسبی را برگزیند زیرا یک معنا را می‌توان در ساختارهای دستوری گوناگونی بیان کرد، لذا مترجم برای دست‌یابی به انتقال سه فرانقش اندیشگانی، بینافردی و متنی و معادل‌یابی معنایی و کاربردی، باید در انتخاب عبارات بسیار مراقب باشد و به میل و سبک شخصی خود عمل نکند تا معنا فراتر از کلمات نباشد (خیائزو و جینگ، ۲۰۲۱). لذا هرچه درصد کاربرد ترجمه مناسب استعارات دستوری در متن ترجمه بیشتر باشد می‌تواند حاکی از دقت بیشتر مترجم در ترجمه تنوعات واژی-نحوی نشاندار و وفاداری بیشتر به متن مبدأ باشد.

در پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی از نحوه کاربرد انواع مختلف استعاره‌های دستوری به لحاظ کمی و کیفی در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» و دو ترجمه این رمان توسط دو مترجم برجسته در حوزه ترجمه ادبی یعنی ابراهیمی و رضایی از منظر دستور نظام‌مند نقشی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) ارائه می‌شود تا به این سوال کلی پاسخ داده شود که تا چه میزان مترجمان این اثر در ترجمه استعاره‌های دستوری به متن اصلی وفادار بوده‌اند؟

۲. روش تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش، دستور نظام‌مند نقشی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) می‌باشد. از نظر هلیدی (۱۹۹۵)، (xvii) زبان به‌عنوان یک نظام معانی به همراه صورت‌هایی است که از طریق آن صورت‌ها، معانی تشخیص داده می‌شوند. از نظر او زبان نظامی برای ساختن معانی است که دستور و معنی‌شناسی در نزد او صرفاً به معانی واژگان محدود نمی‌شود بلکه یک نظام کامل از همه معانی موجود در یک زبان است و این معانی همان‌قدر به‌وسیله دستور زبان تعیین می‌شود که به‌وسیله واژگان. در حقیقت در این رویکرد معانی در قالب عبارت‌پردازی رمزگذاری می‌شوند. بند که واحد اولیه مطالعه در دستور نقش‌گراست، دارای سه بُعد جداگانه و در عین حال مرتبط است که فرانش نامیده می‌شوند. نقش‌های اصلی زبان در ارتباط با محیط اجتماعی و روان‌شناختی پیرامون، بازنمایی درک پیرامون و تعامل با افراد می‌باشند. بازنمایی درک و تجربه ما از هستی به فرانش تجربی اختصاص دارد. بازنمایی تعامل با مشارکین در یک ارتباط زبانی، ذیل فرانش بینافردی بررسی می‌شود. همچنین برقراری و تثبیت روابط اجتماعی نیز به این فرانش مربوط می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۹). ارتباط دو فرانش مذکور، و بازنمایی شیوه سازمان‌دهی خود زبان، بر عهده فرانش متنی است. به‌عبارت دیگر، این فرانش بین آن‌چه که گفته یا نوشته می‌شود و جهان واقعی از یک‌سو و ساخت‌های دیگر زبانی از سوی دیگر ارتباط برقرار می‌کند (بلور و بلور، ۱۹۹۷: ۷). رویکرد هلیدی بر این واقعیت تکیه دارد که می‌توان از بین ساختارهای متجانس و غیرمتجانس انتخاب نمود و در واقع، استعاره دستوری به عنوان تحقق غیرمتجانس از پیکربندی معنایی خاصی در دستور زبان واژگانی می‌باشد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۳۲۱).

استعاره دستوری که توسط هلیدی (۱۹۸۵) پیشنهاد شد یکی از کمک‌های مهم زبان‌شناسی نظام‌مند نقشی به حوزه زبان‌شناسی و آموزش است. همان‌گونه که دوریم^۲ (۲۰۱۵) اذعان داشته است، نظریه استعاره در تکامل خود در قالب دو مدل نظریه‌پردازی شده است که عبارتند از مدل طبقه‌ای^۳ توسط مارتین و هلیدی (۱۹۹۳) و مدل معنایی^۴ توسط متیسن و هلیدی (۱۹۹۹). مدل طبقه‌ای، استعاره را در رابطه با تنش طبقه‌ای بین معناشناسی گفتمان و دستور زبان واژگانی نظریه‌پردازی می‌کند (مارتین، ۱۹۹۳: ۱۱۲). بنابراین می‌توان استعاره را به عنوان تنشی بین گرامر (نحوه ی واژه‌پردازی متن) و معناشناسی (معنای متن) معرفی کرد، به‌طوری که زبان خوانشی دوسطحی می‌یابد (یعنی

-
1. Boolr, T & M. Boolr
 2. Devrim
 3. Strata model
 4. Semantic model

استعاری)، که یک سطح مستقیماً دستور زبان را منعکس می‌کند و فراتر از این سطح، سطح دیگری به‌صورت سمبلیک مربوط به معناشناسی است. دو مقوله اصلی استعاره دستوری در مدل طبقه‌ای، استعاره‌های بینافردی و اندیشگانی هستند (هلیدی، ۱۹۸۵). استعاره بینافردی شامل استعاره‌های وجهی^۱ و وجهیت^۲ است. استعاره اندیشگانی به دو نوع استعاره تجربی و منطقی طبقه‌بندی می‌شود (مارتین، ۱۹۹۲). مدل معنایی، تحقق مقولات معنایی متجانس و استعاری در دستور زبان را بررسی می‌کند. هنگامی که یک رشته کلمات به‌عنوان یک بندجمله پیچیده، یا فرآیندی مانند یک فعل تحقق می‌یابد، متجانس است. هنگامی که رشته‌ای از کلمات به‌عنوان چیزی غیر از یک بندجمله پیچیده، یا فرآیندی به‌جز یک فعل تحقق می‌یابد، استعاره است. سایر واحدهای دستوری مکمل این موارد در این نقش‌ها می‌باشند (هلیدی و متیسن، ۱۹۹۸: ۲۳۸). بنابراین، با توجه به مدل معنایی، اگر رشته‌ای از کلمات با یک بندجمله تحقق یابد یا اگر یک اسم، فرآیندی را در دستور زبان تحقق بخشد، آن ساختار زبانی، نمونه‌ای از استعاره دستوری است. هرچند این دو مدل در نظریه‌پردازی و تعریف استعاره متفاوت هستند، اما ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند. در واقع مدل معنایی شکل توسعه‌یافته همان مدل طبقه‌ای است. (ر.ک. هلیدی ۱۹۹۸). دوریم (۲۰۱۵) تحلیل جامع‌تری را با ارائه یک مدل یکپارچه که تلفیقی از دو مدل قبلی است ارائه می‌دهد. استعاره را می‌توان از این منظر، ساختار زبانی دانست که از تنش لایه‌ای بین معانی اندیشگانی (تجربی و منطقی) و بینافردی در معناشناسی گفتمان و دستور زبان واژگانی ناشی می‌شود. تعریف فوق‌فضایی را برای نظریه‌پردازی استعاره بینافردی باز می‌کند و بر تمایز بین استعاره‌های تجربی و منطقی تأکید می‌کند.

استعاره دستوری مکمل استعاره واژگانی است و بر اساس تفاوت بین ساختار است تا معانی کلمات یکسان (هلیدی، ۱۹۸۵). در واقع هلیدی مفهوم استعاره دستوری را در سطح واژی- نحوی گسترش می‌دهد. وی استعاره را فرآیندانته‌ای می‌داند که در آن نوعی ابزار دستوری با نوع دیگر جایگزین شده ولی در طی این انتقالات معنای دستوری بدون تغییر باقی می‌ماند. عنصر استعاری، صورت اصلی‌اش را از دست نمی‌دهد بلکه مشخصه معنایی جدیدی را در نتیجه استعاری شدن به‌دست می‌آورد. هلیدی (۱۹۸۵)، در فصل دهم تحت عنوان «فراتر از بند» سه نوع استعاره دستوری یعنی اندیشگانی، بینافردی و متنی را توضیح داده است. در ادامه هر یک از انواع استعاره معرفی و مواردی از داده‌های تحلیل شده پژوهش حاضر به‌عنوان مثال ارائه می‌شود و سپس در بخش تحلیل داده‌های پژوهش، تحلیل

1. mood
2. modality

تطبیقی وجداول آماری حاصل از این بررسی در متن رمان اصلی و ترجمه‌ها ارائه می‌شود.

۲/۱ استعاره دستوری اندیشگانی:

فرانقش اندیشگانی برای بازسازی تجربه انسان و وسیله‌ای برای خلق دوباره واقعیت است. زبان ابزاری است برای بیان تجربه‌های انسان، که این نقش زبان، فرانقش اندیشگانی نام دارد. از این نظر، فرانقش اندیشگانی به دو مؤلفه تجربی و منطقی تقسیم می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۸). استعاره دستوری اندیشگانی که برگرفته از این فرانقش است شامل دو نوع اصلی است: استعاره گذرایی و اسم‌سازی. نمود اصلی استعاره اندیشگانی، اسم‌سازی است. فرآیند دستوری اسم‌سازی به نویسنده یا گوینده این امکان را می‌دهد که فاعل یا کنش‌گر را مخفی کند، یکی از کاربردهای اسم‌سازی، برای پرهیز از بیان موقعیت‌های ناخوشایند است (سیمون و ندربرگن و همکاران^۱، ۲۰۰۳)، مانند نمونه‌های زیر:

«شاید وقت مناسبی برای سرزنش کردن نبود» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵۸۰).

در این بند عبارت «سرزنش کردن» صورت اسمی است از عبارت: «شاید وقت مناسبی نبود که او را سرزنش کنم».

توداری‌اش از این است که از **تظاهر کردن** خوشش نمی‌آید» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۶)

در این بند عبارت «تظاهر کردن» صورت اسمی است از عبارت: «خوشش نمی‌آید تظاهر کند...».

امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، نظام گذرایی نامیده می‌شود. منظور از گذرایی مفهومی نیست که در دستورهای سنتی به کار رفته است. در دستورهای سنتی، به فعل‌های مفعول‌پذیر، فعل گذرا گفته می‌شود. در حالی که در چارچوب دستور نقش‌گرا، گذرایی به شیوه‌ی بازنمایی انواع فرآیندها و معانی در جمله اطلاق می‌شود (سیمپسون^۲، ۲۰۱۴: ۱۱). نظام گذرایی، مکانیسم بیان فرانقش اندیشگانی و تجربی در زبان است. در نظام گذرایی تنوع دستوری در بین صورت‌های متجانس یا نامتجانس به کار می‌رود (تاورنیرز^۳، ۲۰۰۳: ۶). هلیدی فعالیت‌های انسان را در قالب شش نوع فرایند معرفی کرده است که سه فرایند مادی، ذهنی و رابطه‌ای^۴، فرایندهای اصلی و فرایندهای کلامی، رفتاری و وجودی فرایندهای فرعی به شمار می‌آیند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴). نظام گذرایی بیانگر رخداد، رابطه، حالت، اندیشه، احساس، رفتار و وجود پدیده‌های جهان است که هر یک از این‌ها را فرآیند می‌نامیم

-
1. Simon-Vandenberg, et.al.
 2. Simpson
 3. Taverniers
 4. Relational process

که می‌توانند با تبدیل به فرایندی دیگر در نظام گذرابی، استعاری شوند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۱۰۶). مثلاً در «چشمان سیاهش را با بدگمانی به من دوخته است» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۲)، فرایند رفتاری «نگاه کردن» در قالب فرایند مادی «چشم دوختن» تحقق یافته است. و یا در «اخم کرد و دوید وسط حرفم» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳)، که فرایند کلامی «صحبت کردن» در قالب فرایند مادی «دویدن» تحقق یافته است.

۲/۲ استعاره‌ی دستوری بینافردی:

از آن‌جا که بازنمایی بافت در حوزه معنا اتفاق می‌افتد، بازنمایی مشارکان سخن در حوزه معنا را فرانتش بینافردی می‌گویند. این فرانتش به هم‌کنشی و تعامل متن و برقراری روابط اجتماعی مربوط است. دو نقش عمده در این فرانتش عبارتند از «وجه» که دارای سه سازه نهاد، زمانداری و قطبیت است و «مانده» که شامل سه سازه محمول، متمم و افزوده می‌باشد (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴).

نحوه برهم‌کنش این دو جزء جملات متفاوت خبری، پرسشی و امری را می‌سازد. بنابراین دو نوع استعاره بین‌فردی وجود دارد: استعاره دستوری وجهی و استعاره دستوری وجهیت. تظاهر وجهیت در قالب افعال وجهی صورت می‌گیرد ولی در حالت استعاری با یک بند کوچک بیان می‌شود. وجهیتی که با یک بند کوچک بیان شود استعاری است. استعاره‌ی وجهی بینافردی مربوط به تغییرات حالت بند است. در واقع تنوع وجه، استعاره وجهی نام دارد که وجهی را به وجه دیگری تبدیل می‌کند. هر وجه می‌تواند دو یا چند نقش زبانی را بازتاب دهد. مثلاً در «شاید بعضی‌ها او را آدم مغرور و بی‌مایه‌ای بدانند...» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۰). «شاید»، بند کوچکی است که حاکی از عدم قطعیت گوینده می‌باشد و لذا استعاره بینافردی از نوع وجهیت است، و یا «ممکن است آقای هیتکلایف دلایل دیگری...» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۱) که در این بند عبارت «ممکن است» نشان از عدم قطعیت گوینده دارد. همچنین در «واقعاً می‌خواهید به هذیان‌هایش گوش کنید؟» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۰۱)، که تعجب در قالب پرسش است و لذا استعاره بینافردی از نوع وجهی، و نیز در «بهتر است کاری به کار سگ نداشته باشید» (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۷)، که امر در قالب پیشنهاد است.

۲/۳ استعاره دستوری متنی:

فرانتش متنی با ساخت متن سروکار دارد و نشان می‌دهد چگونه آنچه می‌گوییم با آنچه در قبل گفته‌ایم با بافت پیرامون مرتبط است. ما پیام‌های خود را به شیوه‌ای سازمان‌دهی می‌کنیم که با پیام‌های قبلی و بعدی خود و بافت وسیع‌تر مرتبط با آنها، سازگاری داشته باشد. سازمان‌بندی پیام‌ها به شیوه کلام مربوط می‌شود. فرانتش متنی در ساختار

اطلاعی و انسجام متن محقق می‌شود. بر اساس آنچه هلیدی (۱۹۸۵)، بیان داشته است، معانی بینافردی و اندیشگانی، در فرانش متنی زبان تحقق می‌یابند. بر اساس هلیدی و متیسن (۱۹۹۹)، کاربرد استعاره دستوری، متن را پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌سازد. علی‌رغم این پیچیدگی و سختی، کاربرد استعاره دستوری بسیار رایج است. سبک علمی، سبکی پر از نمونه‌های استعاره دستوری است و مطالعات بسیاری برای تجزیه و تحلیل این سبک انجام شده است (ر.ک. بنکس، ۲۰۰۵). برای بررسی استعاره دستوری متنی، به عوامل ساختاری بند و آرایش کلمات جمله از قبیل ساخت آغازگر- پایان بخش توجه شده است. مثلاً در بند «مطمئن بودم که آقای لیتون کتاب را آنجا گذاشته است» (ابراهیمی، ۱۳۹۱:۲۹۱)، که عبارت ارجاعی «آقای لیتون» ارجاع به ماقبل است و عبارت ارجاعی «آنجا»، اشاره به مکانی دارد که قبلاً ذکر شده است و یا در بند «تازه از دیدن صاحب‌خانه‌ام برگشته‌ام، همسایه گوشه‌گیری که با او مشکل خواهم داشت» (رضایی، ۱۳۹۰:۱۳)، عبارات «صاحب‌خانه»، «همسایه گوشه‌گیر» و ضمائر «-ام» و «او» عبارات و ضمائر ارجاعی هستند که باعث انسجام دستوری از نوع ارجاع شده‌اند.

۳. تحلیل تطبیقی داده‌ها:

در این بخش، مواردی از تحلیل‌های کیفی به‌عنوان نمونه ارائه می‌شود و درنهایت جمع‌بندی کلی در قالب جداول مربوطه ارائه خواهد شد.

۱/۳ استعاره دستوری اندیشگانی:

۱. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، عبارت «after my arrival» (برونته، ۱۸۴۷:۱)، حاوی استعاره دستوری اندیشگانی از نوع اسم‌سازی است که به صورت فعلی آن یعنی «after I arrived» ترجیح داده شده است. همین عبارت در ترجمه‌ی رضایی به صورت «بعد از ورودم» (رضایی، ۱۳۹۰:۱۳) دیده می‌شود که در آن صورت اسمی «ورود» به صورت فعلی آن ترجیح داده شده: «بعد از این که وارد شدم». در حالی که در ترجمه‌ی ابراهیمی، این عبارت نادیده گرفته شده و مترجم ترجمه‌ای غیر استعاری از این بند انجام داده است. «در اولین فرصت به دیدنتان آمدم تا مطمئن شوم...» (ابراهیمی، ۱۳۹۱:۲۳).

۲. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، با عبارت «... when he meets ...» (برونته، ۱۸۴۷:۵) روبه‌رو هستیم که فاقد استعاره دستوری اسم‌سازی است. در حالی که در ترجمه‌ی رضایی معادل این عبارت به صورت «موقع دیدار...» (رضایی، ۱۳۹۰:۱۶) در نظر گرفته شده که دارای استعاره اسم‌سازی است و به صورت فعلی خود ترجیح داده شده. اما در ترجمه‌ی ابراهیمی این عبارت نادیده گرفته شده است «ممکن است آقای هیتکلیف دلایل دیگری برای

گوشه‌گیری و دوری از دیگران داشته باشد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۷).

۳. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'Mrs. Linton's glance followed him' (برونته، ۱۸۴۷: ۱۹۷) به‌کار رفته است. این بند حاوی استعاره‌گذاری از نوع تبدیل فرایند ذهنی «to watch» در قالب فرایند رفتاری «to follow» می‌باشد، که این عبارت در ترجمه رضایی به‌صورت «با نگاه شکاکش او را دنبال می‌کرد» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۰۹)، به صورت استعاره‌گذاری ترجمه شده است، اما در ترجمه ابراهیمی «با بدگمانی او را نگاه کرد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۹۷) از استعاره استفاده نشده است.

۴. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'I framed an excuse' (برونته، ۱۸۴۷: ۴۰۲) آمده است. در این بند شاهد استعاره‌گذاری و تبدیل فرایند کلامی «to make an excuse» به فرایند مادی «to frame» هستیم. رضایی این استعاره را در ترجمه خود وارد کرده «بهانه‌ای تراشیدم» (رضایی، ۱۳۹۰: ۴۲۰)، اما در ترجمه ابراهیمی عبارت به‌صورت «به‌بهانه‌ای آن دو جوان را تنها گذاشتم» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵۸۰) آمده که فاقد استعاره‌گذاری است.

۲/۳ استعاره دستوری بین‌فردی

۵. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'that I thought the very intensity of his gaze would bring tears into his eyes' (برونته، ۱۸۴۷: ۱۹۵) آمده است. در این جا بند کوچک «I thought» بیانگر عدم اطمینان‌گوینده است و حاوی استعاره بین‌فردی از نوع وجهیت است. ترجمه این عبارت در ابراهیمی به‌صورت «فکر کردم هر آن اشکش سرازیر می‌شود» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۹۴) و در ترجمه رضایی به‌صورت «فکر کردم همین تیر نگاهش باعث می‌شود» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۰۷) بوده است. در هر دو، بند کوچک «فکر کنم» بیانگر عدم اطمینان‌گوینده و حاوی استعاره‌ی بین‌فردی می‌باشد.

۶. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'I shall stay in the garden' (برونته، ۱۸۴۷: ۲۰۱) به‌کار رفته است. در این بند وجه هشدار در قالب وجه خبری آمده است. رضایی آن را به‌صورت «اما می‌مانم توی باغ» (رضایی، ۱۳۹۰: ۲۱۳) و ابراهیمی آن را به‌صورت «اما توی باغ می‌مانم» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۰۳)، ترجمه کرده‌اند که هر دو تبدیل وجه هشدار به خبری است. لذا استعاره دستوری بین‌فردی از نوع وجهی نیز در ترجمه‌ها لحاظ شده است.

۳/۳ استعاره دستوری متنی:

۷. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، بند 'I wring my hands, and cried out; and Mr. Linton hastened his step' (برونته، ۱۸۴۷: ۲۰۰) آمده است. در این بند با ضمائر «I»، «his» و عبارت «Mr. Linton»

مواجه‌ایم که ارجاع به ماقبل هستند و قبلاً در متن به آنها اشاره شده است. حرف ربط «and» موجب انسجام و پیوند متنی شده است. این بند در دو ترجمه به صورت زیر آمده است:

«دست‌هایم را به هم ساییدم و داد زدم. آقای لیتون با شنیدن این سروصدا قدم‌هایش را تندتر کرد» (رضایی، ۱۳۹۰:۲۱۲).

در این ترجمه، برخی استعاره‌های به‌کار رفته در متن اصلی دیده نمی‌شوند. حرف ربط «و» در اول جمله و عبارت «آقای لیتون» و ضمیر «ش» در «قدم‌هایش» ارجاع به ماقبل هستند.

«بعد دست‌هایم را به هم فشردم و وحشت زده فریاد کشیدم. آقای لیتون با شنیدن صدای من قدم‌هایش را تندتر کرد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱:۳۰۲).

در ترجمه‌ی ابراهیمی نیز برخی استعاره‌های به‌کار رفته در متن اصلی دیده نمی‌شوند. در این بند نخست واژه «بعد»، سپس حرف ربط «و» باعث انسجام متنی و پیوند شده‌اند. عبارت «آقای لیتون» و ضمیر «من» و «ش» در «قدم‌هایش» عبارات و ضمایر ارجاعی هستند که قبلاً در متن به آنها اشاره شده است.

۸. در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، «And, Nelly, once for all, let me beg you to warn Hareton and the other away from me» (برونته، ۱۸۴۷:۴۰۴) آمده است. در این بند ابتدا با حرف ربط «and» برای پیوند این بند با بند قبلی مواجه هستیم. سپس عبارات و ضمایر ارجاعی «Nelly»، «me»، «you»، «Hareton»، «The other»، و «me» به‌کار رفته‌اند که تمامی آنها ارجاع به ماقبل می‌باشند.

ترجمه رضایی به صورت «در ضمن، نلی، برای آخرین بار از تو خواهش می‌کنم به هیرتن و آن دختر بگویی از من دوری کن» (رضایی، ۱۳۹۰:۴۲۲) است. در این بند برخی استعاره‌های دستوری به‌کار رفته در متن اصلی دیده نمی‌شوند. عبارات و ضمایر ارجاعی «نلی»، «تو»، «هیرتن»، «آن دختر» و «من» در ترجمه آمده‌اند که همگی ارجاع به ماقبل هستند. معادل فوق در ترجمه ابراهیمی به صورت «نلی، برای آخرین بار از تو می‌خواهم که هیرتن و کاترین را از جلوی چشم دور کنی» (ابراهیمی، ۱۳۹۱:۵۸۲) است. در این ترجمه ضمایر و عبارات «نلی»، «تو»، «هیرتن»، «کاترین» و «م» در «چشم» عبارات ارجاعی هستند. حرف ربط «و» اول جمله در هر دو ترجمه حذف شده‌اند. «The other» در متن اصلی، «آن دختر» در ترجمه رضایی و «کاترین» در ترجمه ابراهیمی ارجاع هستند. در ترجمه ابراهیمی عبارت «کاترین» به‌مانند رضایی و متن اصلی از جایگزینی استفاده نشده است.

۴. تحلیل آماری داده‌های پژوهش

در جداول این بخش، ستون اول نشان دهنده نوع استعاره دستوری است، ستون دوم، تعداد یا بسامد استعاره‌های دستوری از آن نوع را نشان می‌دهد، که در کل متن‌های مورد پژوهش، با در نظر گرفتن موارد تکراری شمارش شده‌اند. ستون سوم، به درصد وقوع این سه نوع استعاره دستوری در هر یک از آثار مورد مطالعه اختصاص دارد و سطر چهارم این ستون، مجموع هر سه نوع استعاره دستوری به کار رفته در آن اثر را نشان می‌دهد.

۱/۴ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره‌ی دستوری، در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»:

جدول ۱. تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»

نوع استعاره	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به دیگر انواع استعاره دستوری
اندیشگانی	۲۳۸	۲/۲۴	۹/۸۸
بینافردی	۹۱	۰/۸۶	۳/۷۷
متنی	۲۰۷۹	۱۹/۶۱	۸۶/۳۳
مجموع	۲۴۰۸	۲۲/۷۱	۱۰۰

جدول ۱، نشان می‌دهد که در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، در مجموع تعداد ۲۴۰۸ استعاره دستوری وجود دارد، که از این تعداد، ۲۳۸ مورد استعاره اندیشگانی، ۹۱ مورد استعاره بینافردی، و ۲۰۷۹ مورد استعاره متنی است. براساس داده‌های ستون دوم این جدول، استعاره متنی با بالاترین میزان کاربرد در این رمان، ۱۹/۶۱ درصد از بخش‌های مورد مطالعه رمان را، با در نظر گرفتن تعداد بندهای تشکیل دهنده سه فصل منتخب به‌عنوان مینا، به‌خود اختصاص داده است، پس از آن استعاره اندیشگانی است با ۲/۲۴ درصد و در نهایت استعاره بینافردی با ۰/۸۶ درصد که کمترین میزان کاربرد را از کل رمان به خود اختصاص داده است. در مجموع ۲۲/۷۱ درصد از بخش‌های مورد تحقیق را استعاره‌های دستوری تشکیل داده‌اند.

جدول ۲ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره اندیشگانی در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»

درصد، نسبت به کل استعاره‌های اندیشگانی متن اصلی رمان	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	تعداد	نوع استعاره اندیشگانی
۷۱/۸۴	۱/۶	۱۷۱	اسم‌سازی
۲۸/۱۵	۰/۶۳	۶۷	گذرایی
۱۰۰	۲/۲۴	۲۳۸	مجموع

جدول ۲ نشان می‌دهد که در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، تعداد 238 مورد استعاره‌ی اندیشگانی وجود دارد که از این تعداد، 171 مورد اسم‌سازی، و 67 مورد دیگر گذرایی است. لذا در مورد استعاره‌ی اندیشگانی، اسم‌سازی بیشترین میزان کاربرد را داشته است.

جدول ۳ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره بینافردی در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»

درصد، نسبت به کل استعاره بینافردی متن اصلی رمان	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	تعداد	نوع استعاره بینافردی
۱۴/۲۸	۰/۱۲	۱۳	استعاره وجهیت
۸۵/۷۱	۰/۷۳	۷۸	استعاره وجهی
۱۰۰	۰/۸۵	۹۱	مجموع

جدول ۳ بیانگر این مطلب است، که در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»، تعداد 91 مورد استعاره دستوری بینافردی به‌کار رفته است، که از این تعداد، 13 مورد استعاره وجهیت و 78 مورد استعاره وجهی است. لذا استعاره وجهی با 85/71 درصد میزان کاربرد، بیشترین بسامد را در کل متن به خود اختصاص داده است، و نسبت کاربرد استعاره وجهیت نیز به کل استعاره‌های بینافردی 14/28 درصد می‌باشد. تقریباً تمامی انواع استعاره‌های متنی از نوع انسجام دستوری، یعنی ارجاع، جایگزینی و حذف و نیز انسجام واژگانی یعنی تکرار، مترادف‌ها، واژه‌های فراگیر و واژه‌های عمومی، نیز وجود دارد که از میان آنها بیشترین موارد مربوط به حرف ربط «و» و ارجاع می‌باشد. حذف و

جایگزینی نیز بعد از این دو مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند.

۲/۴ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری، در ترجمه‌ی ابراهیمی:

جدول ۴ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری در ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به دیگر انواع استعاره دستوری
اندیشگانی	۲۵۱	۱/۷	۱۰/۹
بینافردي	۱۱۲	۰/۷۵	۴/۸۶
متنی	۱۹۴۷	۱۳	۸۴/۶۱
مجموع	۲۳۰۱	۱۵/۵	۱۰۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که در ترجمه ابراهیمی تعداد ۲۳۰۱ مورد استعاره دستوری به‌کاررفته است که از این تعداد، ۲۵۱ مورد استعاره اندیشگانی، ۱۱۲ مورد استعاره بینافردي و ۱۹۴۷ مورد استعاره متنی است. نسبت کاربرد استعاره متنی به دو نوع دیگر در کل این ترجمه ۸۴/۶۱ درصد می‌باشد، که این میزان بیشترین درصد کل استعاره‌های دستوری به‌کاررفته در این ترجمه را شامل می‌شود، و نسبت استعاره اندیشگانی به دو نوع دیگر ۱۰/۹ درصد و بینافردي ۴/۸۶ درصد می‌باشد.

جدول ۵ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره اندیشگانی در ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره اندیشگانی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره‌های اندیشگانی ترجمه ابراهیمی
اسم‌سازی	۱۹۷	۱/۳	۷۸/۴۸
گذرابی	۵۴	۰/۴	۲۱/۵۲
مجموع	۲۵۱	۱/۷	۱۰۰

جدول ۵ نشان می‌دهد که در ترجمه ابراهیمی تعداد ۲۵۱ مورد استعاره اندیشگانی یافت شده است، که از این تعداد،

۱۹۷ مورد اسم‌سازی، و ۵۴ مورد نیز گذرای است. همان‌طور که ستون ۴ نشان می‌دهد، استعاره اسمی‌سازی بیشترین میزان کاربرد استعاره اندیشگانی را در این ترجمه داشته است.

جدول ۶ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره بینافردی در ترجمه ابراهیمی

نوع استعاره بینافردی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره بینافردی در ترجمه ابراهیمی
استعاره وجهیت	۳۴	۰/۲۳	۳۰/۳۶
استعاره وجهی	۷۸	۰/۵۳	۶۹/۶۴
مجموع	۱۱۲	۰/۷۶	۱۰۰

جدول ۶ حاکی از آن است که در ترجمه ابراهیمی تعداد ۱۱۲ مورد استعاره بینافردی یافت شده است که از این تعداد، ۳۴ مورد استعاره وجهیت و ۷۸ مورد دیگر نیز استعاره وجهی است. استعاره وجهی با 69/64 درصد بیشترین بسامد را در کل متن داشته است و استعاره وجهیت نیز 30/36 درصد کل استعاره‌های بینافردی موجود در این ترجمه را دارا بوده است. استعاره متنی نیز که بیشترین میزان کاربرد را در ترجمه ابراهیمی دارا بوده است، شامل کاربرد فراوان حرف ربط و ارجاع می‌باشد. داده‌های این پژوهش حاکی از آن است که در این متن، تقریباً تمامی انواع استعاره‌های متنی از نوع انسجام دستوری، یعنی ارجاع، جایگزینی و حذف و نیز انسجام واژگانی یعنی تکرار، مترادف، واژه‌های فراگیر و واژه‌های عمومی، نیز وجود دارد که از میان آن‌ها بیشترین موارد، مربوط به حرف ربط «و» و ارجاع می‌باشد. حذف و جایگزینی نیز بعد از این دو مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند.

۳/۴ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری، در ترجمه رضایی:

جدول ۷ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره دستوری در ترجمه رضایی

نوع استعاره	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به دیگر انواع استعاره دستوری
اندیشگانی	۲۹۴	۱/۵۶	۱۲/۵۷
بینافردی	۱۰۷	۰/۵۶	۴/۵۸

نوع استعاره	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به دیگر انواع استعاره دستوری
متنی	۱۹۳۷	۱۰/۳	۸۲/۸۶
مجموع	۲۳۳۸	۱۲/۴۴	۱۰۰

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که در ترجمه رضایی تعداد ۲۳۳۸ مورد استعاره دستوری وجود دارد، که از این تعداد، ۲۹۴ مورد استعاره اندیشگانی، ۱۰۷ مورد استعاره بینافردی و ۱۹۳۷ مورد استعاره متنی است. استعاره متنی با ۱۰/۳ درصد رخداد، بالاترین میزان کاربرد را در کل متن مورد مطالعه به خود اختصاص داده است و پس از آن استعاره‌ی اندیشگانی است، با ۱/۵۶ درصد، و در نهایت استعاره‌ی بینافردی با ۰/۵۶ درصد، که کمترین میزان کاربرد را دارا می‌باشد. نسبت کاربرد استعاره متنی به دو نوع استعاره دیگر، در کل متن ۸۲/۸۶ درصد می‌باشد که این میزان نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از کل استعاره‌های دستوری به‌کار رفته در متن را استعاره متنی تشکیل می‌دهد. نسبت استعاره اندیشگانی به دو نوع دیگر ۱۲/۵۷ درصد و بینافردی به دو نوع دیگری ۴/۵۸ درصد می‌باشد و این بیانگر این است که کمترین تعداد استعاره‌های دستوری در این متن، متعلق به استعاره بینافردی است. در مورد استعاره اندیشگانی در ترجمه رضایی، داده‌های جدول ۸ به بررسی و تحلیل تعداد و درصد انواع آن، یعنی اسم‌سازی و گذرایی می‌پردازد.

جدول ۸ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره اندیشگانی در ترجمه رضایی

نوع استعاره اندیشگانی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره‌های اندیشگانی ترجمه رضایی
اسم‌سازی	۲۱۵	۱/۱۴	۷۳
گذرایی	۷۹	۰/۴۲	۲۷
مجموع	۲۹۴	۱/۵۶	۱۰۰

جدول ۸ حاکی از آن است که، در ترجمه رضایی تعداد ۲۹۴ مورد استعاره اندیشگانی یافت شده، که از این تعداد ۲۱۵ مورد، اسم‌سازی و ۷۹ مورد، گذرایی است. استعاره اسم‌سازی با ۷۳ درصد، بیشترین میزان کاربرد استعاره

اندیشگانی را دارد لذا در ترجمه رضایی، اسم‌سازی بیشترین بسامد را در میان استعاره‌های اندیشگانی داشته است.

جدول ۹ تعداد و درصد وقوع انواع استعاره بینافردی در ترجمه رضایی

نوع استعاره بینافردی	تعداد	درصد وقوع رخداد، به نسبت تعداد کل بندها	درصد، نسبت به کل استعاره بینافردی در ترجمه رضایی
استعاره‌ی وجهیت	۲۶	۰/۱۴	۲۴/۳
استعاره‌ی وجهی	۸۱	۰/۴۳	۷۵/۷
مجموع	۱۰۷	۰/۵۷	۱۰۰

جدول ۹ حاکی از آن است، که در ترجمه رضایی، تعداد ۱۰۷ مورد استعاره بینافردی به کار رفته است، که از این تعداد، ۲۶ مورد استعاره وجهیت و ۸۱ مورد استعاره وجهی بوده است. لذا در ترجمه رضایی، استعاره وجهی با ۷۵/۷ درصد، بسامد بیشتری را نسبت به استعاره وجهیت با ۲۴/۳ درصد دارا است. استعاره متنی نیز که بیشترین میزان کاربرد را در ترجمه رضایی دارا بوده است، شامل کاربرد فراوان حرف ربط و ارجاع می‌باشد، تقریباً تمامی انواع استعاره‌های متنی از نوع انسجام دستوری، یعنی ارجاع، جایگزینی و حذف و نیز انسجام واژگانی یعنی تکرار، مترادف، واژه‌های فراگیر و واژه‌های عمومی، نیز دیده می‌شوند، که از میان آن‌ها بیشترین موارد مربوط به حرف ربط («و») و ارجاع می‌باشد. حذف و جایگزینی نیز بعد از این دو مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند. در ادامه، به مقایسه‌ی کارکرد انواع استعاره دستوری، و زیرمقوله‌های آنها، در سه متن مورد مطالعه این پژوهش می‌پردازیم.

جدول ۱۰ مقایسه‌ی درصد کارکرد انواع استعاره دستوری در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه

ابراهیمی

نوع استعاره دستوری	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه ابراهیمی
اندیشگانی	۲/۲۴	۱/۷
بینافردی	۰/۸۶	۰/۷۵

۱۳	۱۹/۶۱	متنی
۱۵/۵	۲۲/۷۱	مجموع

جدول ۱۱ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره دستوری در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه رضایی

ترجمه رضایی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	نوع استعاره دستوری
۱/۵۶	۲/۲۴	اندیشگانی
۰/۵۶	۰/۸۶	بینافردی
۱۰/۳	۱۹/۶۱	متنی
۱۲/۴۴	۲۲/۷۱	مجموع

جدول ۱۲ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره دستوری در ترجمه ابراهیمی با ترجمه رضایی

ترجمه رضایی	ترجمه ابراهیمی	نوع استعاره دستوری
۱/۵۶	۱/۷	اندیشگانی
۰/۵۶	۰/۷۵	بینافردی
۱۰/۳	۱۳	متنی
۱۲/۴۴	۱۵/۵	مجموع

جدول ۱۳ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره اندیشگانی، در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه ابراهیمی

ترجمه ابراهیمی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	نوع استعاره اندیشگانی
----------------	-------------------------------------	-----------------------

۱/۳	۱/۶	اسم‌سازی
۰/۴	۰/۶۳	گذرایی
۱/۷	۲/۲۴	مجموع

جدول ۱۴ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره اندیشگانی، در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه رضایی

ترجمه رضایی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	نوع استعاره اندیشگانی
۱/۱۴	۱/۶	اسم‌سازی
۰/۴۲	۰/۶۳	گذرایی
۱/۵۶	۲/۲۴	مجموع

جدول ۱۵ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره اندیشگانی در ترجمه ابراهیمی با ترجمه رضایی

ترجمه رضایی	ترجمه ابراهیمی	نوع استعاره اندیشگانی
۱/۱۴	۱/۳	اسم‌سازی
۰/۴۲	۰/۴	گذرایی
۱/۵۶	۱/۷	مجموع

جدول ۱۶ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره بینافردی، در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه ابراهیمی

ترجمه ابراهیمی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	نوع استعاره بینافردی
۰/۲۳	۰/۱۲	استعاره وجهیت

استعاره وجهی	۰/۷۳	۰/۵۳
مجموع	۰/۸۵	۰/۷۶

جدول ۱۷ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره بینافردی، در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» با ترجمه رضایی

نوع استعاره بینافردی	متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر»	ترجمه رضایی
استعاره وجهیت	۰/۱۲	۰/۱۴
استعاره وجهی	۰/۷۳	۰/۴۳
مجموع	۰/۸۵	۰/۵۷

جدول ۱۸ مقایسه درصد کارکرد انواع استعاره بینافردی در ترجمه ابراهیمی با ترجمه رضایی

نوع استعاره بینافردی	ترجمه ابراهیمی	ترجمه رضایی
استعاره وجهیت	۰/۲۳	۰/۱۴
استعاره وجهی	۰/۵۳	۰/۴۳
مجموع	۰/۷۶	۰/۵۷

۵. نتیجه‌گیری

از آنجا که انتقال نقش‌ها در استعاره‌های دستوری علاوه بر بیان اثرات خاص یا تأکیدی موضوعی، متضمن بازسامان‌دهی متنی نیز می‌باشد، می‌توان از استعاره دستوری به‌عنوان ساختی گفتمان‌مدار استفاده کرد. آنچه ابتدا گوینده یا نویسنده بیان می‌کند بر تحلیل هر آنچه که بعد می‌آید موثر خواهد بود. لذا استعاره دستوری منبعی قوی در ساختار پیام بوده و تأثیرات آن می‌تواند در ساماندهی متنی درک شود (تاورنیرز، ۲۰۰۳). لذا با توجه به مفهوم معادل‌یابی نقشی و کاربردی از نظر معنای اندیشگانی، بینافردی و متنی مورد نیاز متن مقصد نسبت به متن از منظر

دستور نظام‌مند نقشی، لازم است مترجمان به نظام‌گذاری، نظام حالت بخشی، نظام وجهیت و نظام وجهی توجه کنند که معنای اندیشگانی، بینافردی و متنی را تجسم می‌بخشند. از آنجایی که یک معنا را می‌توان در ساختارهای دستوری مختلف بیان کرد، مترجمان با اشکال دستوری گوناگونی مواجه می‌شوند که شامل صورت‌های متجانس و غیرمتجانس (استعاری) هستند و آنها باید ساختار دقیق و مناسبی را انتخاب کنند. در تحلیل کیفی داده‌های پژوهش حاضر مشخص شد که مترجمان در بسیاری موارد، ساختار استعاری را به صورت غیر استعاری ترجمه کرده‌اند. تحلیل کمی یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد که در ترجمه‌های ابراهیمی و رضایی، استعاره دستوری کمتری نسبت به متن اصلی رمان، به کار رفته است. این امر برخلاف نتایج بدست آمده توسط رضویان و طاهری (۱۳۹۸) است که میزان استفاده از انواع استعاره دستوری در متن اصلی رمان «سالار مگس‌ها» نسبت به دو ترجمه آن کمتر بوده است. لذا متفاوت بودن نوع رده شناختی زبان فارسی و انگلیسی از نظر ضمیراندازی^۱ یا غیرضمیراندازی بودن در نحوه کاربرد استعاره دستوری تعیین‌کننده به نظر نمی‌رسد و سبک شخصی مترجم نقش مهم‌تری دارد. همان‌گونه که از داده‌های جدول ۱ مشخص است، تعداد کل استعاره‌های دستوری به کار گرفته شده در متن اصلی رمان «بلندی‌های بادگیر» ۲۴۰۸ رخداد شمارش شده است، که این میزان ۲۲/۷۱ درصد از متن مورد بررسی را، با توجه به تعداد بندهای سه فصل منتخب، شامل می‌شود. این در حالی است که با توجه به داده‌های جدول ۴، این تعداد در ترجمه‌ی ابراهیمی ۲۳۰۱ رخداد شمارش شده، که ۱۵/۵ درصد از متن را شامل شده است. در متن اصلی رمان، بسامد رخداد استعاره دستوری نسبت به ترجمه ابراهیمی، ۵۴/۰ درصد، بیشتر است. در ترجمه رضایی نیز با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۷، درصد کاربرد استعاره‌های دستوری در متن اصلی رمان بیشتر است، و درصد رخداد استعاره دستوری در متن اصلی، ۶۸/۰ درصد بیشتر از ترجمه رضایی می‌باشد. همچنین این آمار نشان می‌دهد که در ترجمه ابراهیمی، استعاره‌های دستوری بیشتر نسبت به ترجمه رضایی به کار رفته است.

چون استعارات دستوری تحقق‌وازی- نحوی نشاننداری از یک عبارات معنادار خاص هستند و انتقال نقش‌ها در این استعاره‌ها می‌تواند حاصل اثرات خاصی یا تأکیدی موضوعی باشد، لذا پیشنهاد می‌شود که مترجمان در ترجمه این تنوعات واژی- نحوی دقت نظر بیشتری داشته باشند تا علاوه بر وفاداری ساختی بیشتر به متن مبدأ، در انتقال مفاهیم مرتبط با این ساخت‌های نشان‌دار موفق‌تر باشند و ترجمه آنها مستقل از میل و سبک شخصی آنها باشد.

کتابنامه

- ابراهیمی، ف. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی ترجمه‌های رمان بلندیهای بادگیر اثر امیلی برونته، براساس نظریه تعادل ترجمه‌ای کت فورد (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه بیرجند.
- افتخاری، ر. (۱۳۸۷). استعاره در زبان فارسی از منظر هلیدی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی.
- امینی، چ. (۱۳۸۹). بررسی رویه‌های بکار رفته توسط مترجمان فارسی بلندی‌های بادگیر در ترجمه لغات فرهنگی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه دربانوردی و علوم دریایی چابهار.
- برونته، ا. ج. (۱۳۳۵). عشق هرگز نمی‌میرد. ترجمه علی اصغر بهرام بیگی. علمی-فرهنگی.
- برونته، ا. ج. (۱۳۸۴). بلندی‌های بادگیر. ترجمه نگار غلامپور. روزگار.
- برونته، ا. ج. (۱۳۸۸). بلندی‌های بادگیر (عشق هرگز نمی‌میرد). ترجمه فاطمه امینی. زرین.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۰). بلندی‌های بادگیر. ترجمه رضا رضایی. نی.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۱). بلندی‌های بادگیر. ترجمه‌نوشین ابراهیمی. افق.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۵). بلندی‌های بادگیر. ترجمه مهدی سجودی مقدم. مهراندیش.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۸). بلندی‌های بادگیر (عشق هرگز نمی‌میرد). ترجمه پرویز پژواک. نگاه.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۹). بلندی‌های بادگیر (تا انتهای پرنج عشق). ترجمه فروزنده دولت یاری. آتیسا.
- برونته، ا. ج. (۱۳۹۹). بلندی‌های بادگیر. ترجمه نعیمه ظاهری. سایه گستر.
- برونته، ا. ج. (۱۴۰۱). بلندی‌های بادگیر. ترجمه سعیدا زندیان. قدیانی.
- بهادیوند چگینی، م.، کریمی فیروزجایی، ع.، شعیری، ح.، و ارجمندی، م. (۱۴۰۰). تحلیل فرایند تولید معنا در «بلندی‌های بادگیر» رویکرد نشانه-معناشناختی گفتمانی. نشریه بلاغت کاربردی و نقد ادبی، (۳۵)، ۳۵-۴۸.
- بیکیان، ع.، روشن‌دل، ه.، و صفایی قلاتی، م. (۱۴۰۲). رویه‌ها و روش‌های ترجمه انگلیسی به فارسی استعاره‌های مفهومی: بررسی موردی ترجمه فارسی جلد اول رمان علمی-تخیلی دث استاکر. پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی، (۲)۱۳، ۳۳۵-۳۴۹. <http://doi.org/10.22059/JFLR.2023.352312.1001>
- پورااصل، م. (۱۳۹۰). خوانشی از بلندی‌های بادگیر امیلی برونته بر اساس روانکاوی فروید (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم تبریز.
- تقی‌پوری حاجبی، س.، پاشایی فخری، ک.، و عادل‌زاده، پ. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی استعاره‌ی مفهومی غم و شادی با استناد بر شواهدی از آثار افغانی و ایشی‌گورو. پژوهش ادبیات معاصر، (۱)۲۷، ۵۱-۷۹.

<http://doi.org/10.22059/JOR.2020.290281.1903>

جعفر بگلو، ا. (۱۳۹۴). تعلیق در ترجمه: بررسی ترجمه رمان «بلندیهای بادگیر» امیلی برونته از انگلیسی به فارسی (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). مؤسسه آموزش عالی البرز. چاووشی، م. (۱۳۹۰). کارکرد استعاره‌ی دستوری در زبان علم (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی.

رضایپور، ا.، و عربانی دانا، ع. (۱۳۹۵). استعاره دستوری به مثابه تنوع نحوی از منظر دستور نقشگرایی نظام مند. پژوهش های زبانشناسی، ۸(۲)، ۸۳-۱۰۲. <http://doi.org/10.22108/JRL.2017.21691>

رضویان، ح. و طاهری، م. (۱۳۹۸). استعاره دستوری در ترجمه: بررسی ترجمه حمید رفیعی، و مزگان منصوری از رمان سالار مگس ها. پژوهش های زبانشناختی در زبان های خارجی، ۱۹(۱)، ۷۱-۷۹.

<http://doi.org/10.22059/jflr.2018.243682.411>

رضویان، ح.، و مبارکی، س. (۱۳۹۲). استعاره دستوری: شاخصی نو در تمایز زبان ادب و علم. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۱(۴)، ۱-۲۴.

سلیمی، ف. (۱۳۹۰). مفاهیم زیباشناسی «عالی» و «زیبا» در رمان بلندی های بادگیر اثر امیلی برونته: مطالعه بورک (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.

شاملو، ط. (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان انتقادی دو ترجمه فارسی از رمان بلندی های بادگیر امیلی برونته توسط فاطمه امینی و رضا رضایی بر اساس مدل فرکلاف (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه اراک.

عسکر مطلق، ا.، و جمشیدیان، س. (۱۴۰۲). تحلیل شناختی استعاره های مفهومی در متن زن محور رمان قطار زیرزمینی اثر کلسون وایتهد. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۸(۲)، ۵۳۹-۵۶۲.

<https://doi.org/10.22059/jor.2023.334441.2234>

علی پور، س.، شریفی، ش.، و ایزانلو، ع. (۱۳۹۵). معرفی ام. آی. پی.: روشی برای شناسایی استعاره در گفتمان. زبانشناسی و گویش های خراسان، ۱۴(۱)، ۱۱۱-۱۳۸. <https://doi.org/10.22067/lj.v8i14.49865>

لطفی پورساعدی، ک. (۱۳۷۱). در آمدی به اصول و روش ترجمه. مرکز نشر دانشگاهی.

نایدا، ی. (۱۳۹۰). نقش مترجم؛ برگزیده مقاله های نشر دانش (۳) در باره ترجمه. ترجمه سعید باستانی. مرکز نشر دانشگاهی.

یعقوبی، ر.، و آفاگل زاده، ف. (۱۴۰۱). استعاره های دستوری وجه در بخش شنیداری کتاب های آموزش زبان تافل در چارچوب دستور نقش گرایی نظام مند. زبانشناسی و گویش های خراسان، ۱۴(۳)، ۱-۲۶.

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2022.77897.1113>

Banks, D. (2005). On the historical origin of nominalized process in scientific text. *English for Specific Purposes*, 24, 347-357. <https://doi.org/10.1016/j.esp.2004.08.002>

BooLr, T., BooLr, M., & BooLr, T. (1997). Functional analysis of English: A Hallidayan approach.

- Arnold.
- Brontë, E. (1847). *Wuthering heights*. Thomas Cautley Newby.
- Devrim, D. Y. (2015). Grammatical metaphor: What do we mean? What exactly are we researching? *Functional Linguistics*, 2(3), 1-15. <https://doi.org/10.1186/s40554-015-0016-7>
- Downing, A. (1989). Translating grammatical metaphor. In J. C. Santoyo (Ed.), *Translate across cultures*. Universidad de leon.
- Gibbs, R. W. J. (Ed.). (2008). *The Cambridge handbook of metaphor and thought*. Cambridge University Press.
- Gibbs, R. W. J., & Colston, H. (2012). *Interpreting figurative language*. Cambridge University Press.
- Halliday, M. A. K. (1985). *An introduction to functional grammar*. Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1998). Things and relations: Re-grammaticising experience as technical knowledge. In J. R. Martin & R. Veelceds (Eds.), *Reading science critical and functional perspectives on discourses of science* (pp. 185-235). Routledge.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, Ch. (2004). *An introduction to functional grammar*. Arnold.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. M. I. M. (1999). *Constructing experience through meaning: A language-based approach to cognition*. Continuum.
- Holyoak, K. J., & Stamenković, D. (2018). Metaphor comprehension: A critical review of theories and evidence. *Psychol Bull.*, 144(6), 641–671. <https://doi.org/10.1037/bul0000145>
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
- Martin, J. R. (1992). *English text: System and structure*. John Benjamins.
- Martin, J. R. (1993). Technology, bureaucracy and schooling: Discursive resources and control. *Cultural Dynamics*, 6(1), 84-130.
- Rabeie, A., & Shafiee-Sabet, S. G. (2011). The effect of the translator's gender ideology on translating Emily Brontë's *Wuthering Heights*. *Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*, 3(3), 143-158. <https://doi.org/10.22099/jtls.2012.381>
- Semino, E., & Demjén, Z. (2017). *The Routledge handbook of metaphor and language*. John Benjamins.
- Simon-Vandenberg, A-M., Taverniers, M., & Ravelli, L. (2003). *Grammatical Metaphor: Views from systemic functional linguistics*. John Benjamins.
- Simpson, P. (2014). *Stylistics a resource book for students*. Routledge.
- Steen, G. J. (2023). Thinking by metaphor, fast and slow: Deliberate metaphor theory offers a new model for metaphor and its comprehension. *Front. Psychol.*, 14(1), 242-888. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1242888>
- Tav, M. (2006). Grammatical metaphor and lexical metaphor: Different perspectives on semantic variation. *Neophilologus*, 90, 321–332. <https://doi.org/10.1007/s11061-005-0531>
- Taverniers, M. (2003). Grammatical metaphor in SFL: A historiography of the introduction and initial study of the term. In A-M. Simon-Vandenberg, M. Taverniers, & L. Ravelli (Eds.), *Grammatical metaphor: Views from systemic functional linguistics* (pp. 5-33). John Benjamins
- Xianzhu, S., & Jing, W. (2021). Grammatical metaphor in Chinese–English translation. *International Journal of Translation, Interpretation and Applied Linguistics*, 3(1), 15-29. <https://doi.org/10.4018/IJTIAL.20210101.oa2>